

نوشته‌هایی

از

نسل نوین



ویسپوبیش، سال ۲، شماره ۲



فوت‌بال ضربدر
چهار!



بدیع ولی‌نیا

خانوم‌ها و آقایون! بذارین همین اول کاری، رُک و پوست‌کنده بهتون بگم که به نظرم طرفدارِ سرسختِ یه تیم بودن - حالا تو هر ورزشی - خیلی سخته!

به ویژه فوتبال که پُرطرفدارترین ورزشه و کار، دیگه خیلی سخت‌تره.



اینو فوتبالیای واقعی، درک می‌کنن که گل‌گلای فوتبالی، چقدر از آدم انرژی می‌گیرن! مثلاً وقتی داری با طرفدار تیم مخالف حرف می‌زنی، انگار که داری با یه آدم فضایی فک می‌زنی؛ چون نه اون، حرف تو رو می‌فهمه و نه تو حرف اونو!

استقلال

راستش من از یه سِنّی تصمیم گرفتم توی هر لیگ، یه تیمی رو ساپورت کنم. البته که اولین تیمایی که طرفدارشون شدم، استقلال بود و رئال.

راستش من بعد از جام جهانی ۲۰۱۸ رسماً فوتبال دیدنو شروع کردم و یکی از اولین بازیایی که یادمه، بازی پرتغال و اسپانیا بود... همون جا، بعد از دیدن اون بازی بود که یک دل نه صد دل، عاشق رونالدو شدم!





اصلاً انگار کریس رونالدو داشت تو یه سطح دیگه‌ای بازی می‌کرد و اونجا هم هتریک کرد و بازی ۳-۳ مساوی شد. نمی‌دونم چطوری می‌تونم حسّ رو توصیف کنم که برای من هشت ساله، دیدنِ هتریک یه بازیکن، خیلی خارق‌العاده بود و مطمئن بودم که کسی خفن‌تر از اینو نمی‌تونه انجام بده. برای همین، رئالی شدم!

اما بعدش که بادِ یوونتوس به کِشتی بادبانیِ رونالدو وزید و کریس منتقل شد به ایتالیا، منم با همون باد چرخیدم به طرف یوونتوس. البته به‌خاطر اسطوره‌هایی مته دل‌پی‌پرو و بوفون هم بود که از یوونتوس بیشتر خوشم می‌اومد؛ بخصوص زمانی‌که یووه رفت به دسته دو ایتالیا و بیشتر اسطوره‌هاش، با وفاداری تیم‌شونو ول نکردن!



حالا شاید بیرسین، چه‌جوری استقلالی شدم؟!



راستش دلیل اول این بود که خانواده‌ی ما کلاً استقلالیه و ما هم خلاصه راه اونا رو در پیش گرفتیم! ولی دلیل شخصی‌ام یه بازیکن به نام تيام بود.

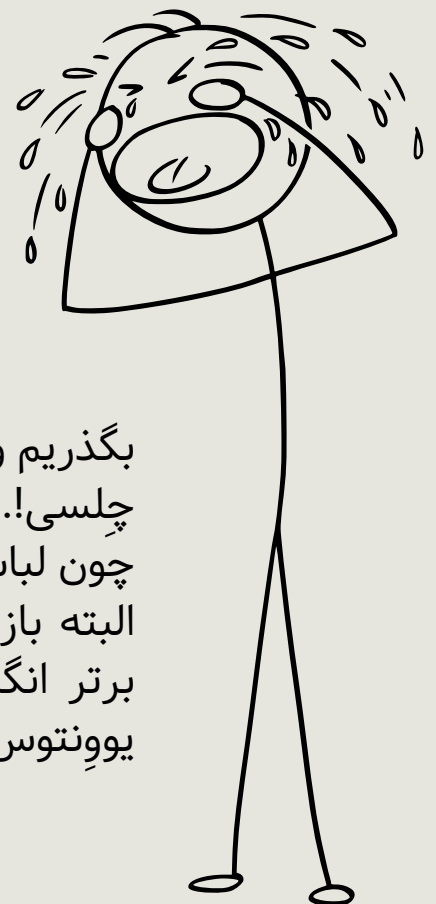
یادمه تو بازی فینال یه جام حذفی، استقلال با یه تیم دسته‌دو که فکر کنم سرمربی‌اش «جواد نکونام» (از پیشکسوتای استقلال) بود، بازی داشت و مهاجم استقلال یه بازیکنی بود به نام «مامه بابا تيام».

توی اون بازی، استقلال با نتیجه ۱-۰ برد و قهرمان شد و تک گلش رو هم، همون تیم زد. بعد از گلزنی تیم، یادمه که بابام برای تعریف از تیم گفت که این بازیکن، همه‌ی شوتاش گله! منم تو عالم بچگی فکر کردم که واقعاً تمامی شوتایی که تیم تا حالا زده، گل شده... یه همچین طرفدار ساده‌دل و بی‌ریایی بودم من!



البته که تیم، همون سال از تیم آبی ما رفت و من موندم و یه استقلال درب‌داغون که بعد اینکه من طرفدارش شدم، حتی یه دربی رو هم نبرده و تا الان غیر از اون جام حذفی، فقط یه لیگ برتر رو بُرده و هیچ جامی رو نتونسته بالای سر ببره!

**خیلی درده که منی که هفت
ساله طرفدار استقلالم، تا حالا
بُردش جلوی پرسپولیس رو
ندیدم.**



بگذریم و بریم سراغ یه تیم دیگه که دوستش دارم:
چلسی!... چرا؟
چون لباس‌اش آبی‌ه و شبیه استقلاله؛ به همین سادگی!
البته بازم می‌گم که تیم اولم توی اروپا، رئاله ولی توی لیگ برتر انگلیس طرفدار چلسی‌ام و تو سری آ ایتالیا، طرفدار یوونتوس.



واضحہ کہ امسال ہر چہار تا تیم من - بییب
بیب بیب - یعنی واقعاً ہر چی از بد بودن شون
بگم - بییب بییب بییب!

یوونتوس کارش بہ جایی رسیدہ کہ دارہ برای
گرفتن سهمیہ می جنگہ، اونم با یہ مربی تقریباً
موقت!

رئال کہ ہمین چند روز پیش، از آرسنال توی چمپیونز لیگ،
سہ تا خورد و چند روز دیگہ ہم لابد قرارہ کہ - یَحْتَمِل - از بارسا پنج تا
بخورہ!

چلسی ام کہ از وقتی این مدیرعاملای ایرانی-آمریکایی اومدن کہ ہیچی از
فوتبال بارشون نیست، کلاً اوضاعش داغانہ!

استقلالم کہ نیازی بہ صحبت ندارہ و این
فصل، بدترین فصل تاریخ شہ جوری کہ نہ
مدیرا، نہ بازیکنان، نہ کادر فنی، انگار ہیچی
براشون مہم نیست... فقط ما ہوادارای
بدبختیم کہ باید سر ہر بازی، عصبی
بشیم.

شما فکر کن وضع تیمای موردعلاقہات
این جوری باشہ و بہ آخر نوشتہات ہم
رسیدہ باشی و بخوای نتیجہ گیری کنی...



**اینجاست کہ باید بگی: پند خاصی ندارم، جز
اینکہ آدمیزاد با امید زندہست!**

امضاء:

بدیع رونالدوی مامہ باباتیام رئالی
یوونتوسی استقلالِ چلسی ای!